

دکتر دیوید ای. دسیلوا، جلسه دوم پیترو و جود جلسه چهارم

نامه یهودا، پر از اشارات مبهم، پر از جدال‌های آتشین، که به موقعیتی مبهم می‌پردازد، شاید به طور مناسبی در انتهای عهد جدید قرار گرفته باشد. در آنجا معمولاً مورد احترام قرار می‌گیرد اما به راحتی فراموش می‌شود. یهودا در سخنرانی‌های استاندارد یکشنبه‌ها حضور ندارد.

من تصور می‌کنم که این موضوع به ندرت موضوع مطالعات کتاب در کلیساها است. دقیقاً به اوقات شخصی عبادت نمی‌آید. اگر ناشران کتاب مقدس چاپ کتاب یهودا را متوقف کنند، ممکن است مدتی طول بکشد تا متوجه شوند.

نامه یهودا چندین چالش را برای خواننده مدرن به وجود می‌آورد. اولین چالش، اختصار آن است. ما دریچه بسیار باریکی از تنها ۲۵ آیه داریم که از طریق آن می‌توانیم به زندگی مخاطبان آن نگاهی دقیق بیندازیم و وارد موقعیتی شویم که نویسنده به آن می‌پردازد.

ما هرگز این نویسنده را به خوبی پولس یا حتی یعقوب یا آن شیخی که رساله‌های اول، دوم و سوم یوحنا را به ما داد نخواهیم شناخت. و بنابراین، او بیشتر یک آشنای رسمی باقی خواهد ماند تا یک دوست. مورد دوم، تمرکز نامه بر داوری و محکومیت است.

نویسنده مدعی است که این اساساً غرولندی علیه افراد خاصی است که به یک جماعت پیوسته‌اند و به خاطر ارضای طمع و امیال خودمحورانه خود، شروع به سوءاستفاده از اعضای آن کرده‌اند. ترویج داوری خدا و خطوط سختگیرانه پیرامون اعمال مسیحی به سختی با ارزش‌های قرن بیست و یکم در مورد مدارا و کثرت‌گرایی سازگار است. مورد سوم، اشارات اغلب مبهم نویسنده به وقایع عهد عتیق و تصاویر موجود در متون خارج از کتاب مقدس است.

اگر خواننده بخواهد این نامه بسیار کوتاه را به طور کامل درک کند، باید به طیف وسیعی از ادبیات یهودی اولیه دسترسی ذهنی داشته باشد. مورد چهارم، پذیرش متغیر یهودا در طول تاریخ کلیسا است. کلیسای اولیه در مورد مرجعیت آن دچار اختلاف نظر بود.

تا حد زیادی به دلیل جذابیت آن برای متون خارج از کتاب مقدس. لوتر مطمئن نبود که این کتاب به اندازه کافی ارزشمند باشد تا در عهد جدید گنجانده شود. یهودا چه چیزی را برای توجیه گنجاندن آن در کتاب مقدس ما، حتی نزدیک به انتهای آن، ارائه می‌دهد؟ در طول این دوره کوتاه، امیدوارم نشان دهم که یهودا حداقل سه سهم حیاتی در کار مداوم شاگردی و خدمت دارد.

اولاً، یهودا این اعتقاد را که در سراسر عهد جدید ترویج می‌شود، تقویت می‌کند که فیض خدا در عیسی مسیح هدفی دارد: رهایی ما از هوس‌ها و امیال نفس قدیمی‌مان و تبدیل ما به نفس جدیدی که در نظر خدا بی‌عیب و نقص خواهد بود. هر واکنش دیگری به فیض خدا، هر استفاده دیگری از فیض خدا، به منزله انکار تنها استاد و خداوند ما عیسی مسیح است، تا جایی که به یهودا مربوط می‌شود. یهودا تأکید جان‌وسلی را تأیید می‌کرد که خدا نه تنها برای نجات ما از مجازات گناه، بلکه از قدرت گناه نیز تلاش می‌کند تا ما واقعاً در تقدس و عدالت در برابر او زندگی کنیم.

دوم، یهودا ما را از مسئولیت خود در برابر خدا، یعنی از قطعیت داوری خدا، آگاه نگه می‌دارد. او این را به ویژه با صداقت در خدمتگزاری مرتبط می‌کند و بنابراین این سوال مهم را همیشه پیش روی ما قرار می‌دهد که آیا ما در کار دین هستیم تا به اهداف خدا برای مردمی که خدا به ما سپرده است خدمت کنیم، یا در کار دین هستیم تا به منافع خود، چه هوس‌های آشکارتر و چه وسوسه‌های ظریف‌تر نفس و نان روزانه، خدمت کنیم؟ رسوایی‌هایی که بسیاری از فرقه‌ها و برخی از کلیساهای غیرفرقه‌ای را به لرزه درآورده و باعث شرمساری گسترده انجیل شده‌اند، به ما یادآوری می‌کنند که این خطرات همیشه وجود دارند. سوم، یهودا به ما یادآوری می‌کند که ما در برابر یکدیگر مسئول هستیم و مسئولیت ما در قبال یکدیگر این است که یکدیگر را پاسخگو نگه داریم.

این برخلاف جریان معمول است، به ویژه در کلیساهای غربی قرن بیست و یکم، جایی که حق تعیین سرنوشت فرد بدون دخالت ظالمانه دیگران، ارزشی فزاینده و برجسته است. یهودا کلامی ضدفرهنگی را به ما می‌گوید و ما را جسور می‌کند تا برای بازگرداندن برادران و خواهران در خداوند که در جهتی خلاف جهتی که فیض خدا ما را به آن سوق می‌دهد، حرکت می‌کنند، مداخله کنیم و ما را فروتن می‌کند تا وقتی هدف چنین مداخلاتی هستیم، به آن گوش فرا دهیم. تنها به خاطر همین مشارکت‌ها، نامه یهودا همچنان شایسته شنیدن دقیق و موشکافانه خواهد بود.

اولین کلمه این رساله، داغ‌ترین بحث را به خود اختصاص داده است: یهودا، یهودا، برده عیسی مسیح و برادر یعقوب یهودا نامی بسیار رایج بود و نام یکی از ۱۲ پدرسالار را یدک می‌کشید، کسی که در واقع نام خود را به قدیمی‌ترین نهاد سیاسی باقی‌مانده در اسرائیل باستان، یعنی پادشاهی جنوبی یهودا، داد. در عهد جدید با چندین نفر به نام یهودا روبرو می‌شویم.

یهودای جلیلی یک انقلابی بود. یهودا، پسر یعقوب، یکی از حواریون. یهودا، نه ایسکاریوتی، همانطور که در یوحنا می‌خوانیم.

البته، یهودای اسخریوطی ظاهر می‌شود. اما ما در کتاب اعمال رسولان، یهودای دمشق، یهودای برسبا و دوباره در انجیل‌ها، یهودا، برادر ناتنی عیسی و برادر یعقوب، یوسف و شمعون، و همچنین برادر دو یا چند خواهر بی‌نام را نیز می‌یابیم. معرفی نویسنده از خود به عنوان برده عیسی مسیح و برادر یعقوب، به وضوح به آخرین مورد از این یهودیان اشاره دارد، زیرا فرد تنها در صورتی خود را در ارتباط با یک برادر به جای پدر معرفی می‌کند که برادر در حلقه افراد بسیار برجسته باشد.

یعقوب، برادر ناتنی عیسی، ظاهراً تا پس از رستخیز، پس از آنکه عیسی از مردگان بر او ظاهر شد، چنانکه در اول قرن‌تین ۱۵، آیه ۷ می‌خوانیم، به طور قطعی در حلقه پیروان عیسی قرار نداشت. با این حال، یعقوب به سرعت به عنوان یک رهبر در کلیسای اورشلیم ظهور کرد، قطعاً تا زمان بازدید پولس از اورشلیم که در غلاطیان ۲: ۱-۱۰ به آن اشاره می‌کند. یعقوب همچنین در کنفرانس اورشلیم در باب ۱۵ اعمال رسولان، که در آن حرف آخر را می‌زند، نقش رهبری دارد. و دوباره در باب ۲۱ اعمال رسولان، جایی که او به پولس دستورالعمل‌هایی می‌دهد که هدف آن از بین بردن سوءظن مسیحیان یهودی نسبت به پولس و مأموریت اوست.

به ویژه در طول قرن نوزدهم، ظهور نقد تاریخی، محققان را بر آن داشت تا پرسش‌های مربوط به نویسندگی تمام نوشته‌های عهد جدید را دوباره مطرح کنند. یهودا نیز از این قاعده مستثنی نبود. اکنون رایج است که تفاسیری پیدا شود که نشان می‌دهد این نامه کوتاه توسط خود یهودا نوشته نشده، بلکه توسط نویسنده‌ای متأخر به نام یهودا نوشته شده است.

ما به طور خلاصه استدلال‌های مخالف اصالت نامه و دلایل خودم برای خواندن این نامه به عنوان یک نوشته‌ی اصیل از برادر ناتنی عیسی، یهودا، را بررسی خواهیم کرد. اولین استدلال علیه اصالت این نامه‌ی کوتاه شامل ادعاهایی است مبنی بر اینکه نشانه‌هایی از نویسندگی اواخر قرن اول یا اوایل قرن دوم در آن دیده می‌شود. به ویژه سه ویژگی.

با این حال، این استدلال به نظر من کمترین قانع‌کننده است، و در واقع، استدلالی است که باید مدت‌ها پیش کنار گذاشته می‌شد، زیرا یهودا در واقع هیچ یک از ویژگی‌هایی را که ادعا می‌شود منعکس‌کننده‌ی نوشته‌های پس از رسولان است، ندارد. اولین ویژگی، انتظار رو به کاهش بازگشت مسیح است. با این حال، یهودا انتظار زنده‌ای، حداقل از مداخله‌ی قاطع خدا، برای داوری جهان را نشان می‌دهد.

اگرچه یهودا بر نزدیکی آن از نظر زمانی اصرار ندارد، اما هیچ چیز دیگری نیز وجود ندارد که خلاف آن را نشان دهد، و مطمئناً هیچ چیز دیگری وجود ندارد که نشان دهنده تأخیر در تحقق این انتظارات باشد، همانطور که به عنوان مثال، در رساله دوم پطرس می‌یابیم که به صراحت به مشکل تأخیر در بازگشت مسیح و داوری خدا می‌پردازد. ویژگی دوم درخواست از سلسله مراتب کلیسا برای حل مشکلات در مجامع محلی است، مانند آنچه در نامه‌های ایگناتیوس انطاکیه یافت می‌شود که نامه‌های خود را حدود سال ۱۱۰ میلادی نوشت. اما چنین درخواست‌هایی در نامه یهودا دیده نمی‌شود.

حتی هیچ اشاره‌ای به مناصب کلیسا نشده است. ویژگی سوم، انحطاط ادعایی استفاده از کلمه ایمان از یک اصطلاح رابطه‌ای پویا به اصطلاحی است که به مجموعه‌ای از آموزه‌ها اشاره دارد. این معیار به دو دلیل به ویژه مشکل‌ساز است.

اولاً، واژه ایمان برای توصیف مجموعه‌ای از اعتقادات و شیوه زندگی در اوایل تاریخ کلیسا به کار رفته است. این مفهوم پیش از این در غلاطیان، فصل ۱، آیات ۲۳ و ۲۴، آمده است، جایی که پولس به یاد می‌آورد که چگونه مسیحیان یهودیه در اوایل ۴۰ میلادی از او سخن می‌گفتند. من هنوز شخصاً برای کلیساهای یهودیه که در مسیح هستند، ناشناخته بودم.

آنها فقط این جمله را می‌شنیدند که کسی که قبلاً ما را آزار و اذیت می‌کرد، اکنون همان ایمانی را موعظه می‌کند که زمانی سعی در نابودی آن داشت. ایمان در اینجا به وضوح یک اصطلاح نسبی نیست، بلکه اصطلاحی است که به مجموعه‌ای از اعتقادات و الگویی از عمل اشاره دارد که جنبشی را که پولس قبلاً با آن مخالفت می‌کرد، تعریف می‌کند. این معیار خاص همچنین کاربرد معمول‌تر پولس از ایمان را به عنوان یک اصطلاح نسبی برای اعتماد بین مسیحیان و عیسی، در مقایسه با سایر کاربردها، به عنوان اولیه و پر جنب و جوش‌تر در مقابل متاخر و متحجرتر، ترجیح می‌دهد.

با این حال، توجه داشته باشید که حتی پولس می‌تواند از ایمان به همان معنایی استفاده کند که مسیحیان یهودیه‌ای که در غلاطیان ۱:۲۳ از آنها نقل قول کرده است. برای مثال، در فیلیپیان ۱:۲۷ می‌خوانیم: «فقط بگذارید شیوه زندگی شما شایسته انجیل مسیح باشد، تا چه بیایم و شما را ببینم و چه غایب باشم، از شما بشنوم که در یک روح استوار هستید و با یک دل، دوشادوش هم برای ایمان انجیل تلاش می‌کنید.» استفاده از ایمان برای اشاره به محتوای پیام انجیل در هر دوره‌ای، چه بسیار زود و چه بسیار دیر، مناسب بود.

هر جا که مخالفت یا دفاع از انجیل مطرح باشد، ایمان زمینه‌ساز آن است. سطح یونانی نامه نیز اغلب به عنوان نشانه‌ای از این ذکر می‌شود که شخصی غیر از یهودای تاریخی، نامه را نوشته است. آیا پسر یک صنعتگر جلیلی می‌توانست یونانی را مانند آنچه در این نامه می‌بینیم بنویسد؟ ما در واقع هیچ اطلاع مستقیمی از حرفه و پیشه خود یهودا قبل و احتمالاً در کنار کار تبلیغی او نداریم، اینکه آیا این حرفه به گونه‌ای بوده است که او را ملزم به تسلط بیشتر بر زبان دوم جلیل، یعنی یونانی، کرده باشد یا خیر.

ممکن است فرض کنیم که او در حرفه خانوادگی ساخت و ساز و نجاری شرکت داشته است، اما این صرفاً یک فرض باقی می‌ماند. این فرض مسلم نبود که همه اعضای خانواده در حرفه پدر مشارکت داشته باشند، و چه بسا کسب و کار کافی برای تأمین معاش آن تعداد از اعضای خانواده وجود نداشته است. برخی از محققان نیز مرتباً تجربه یهودا در اورشلیم را در مرکز رهبری یک جنبش مذهبی در یک شهر چندزبانه در نظر نمی‌گیرند.

یعقوب، یهودا و دیگر رهبران جنبش اولیه مسیحیت، به طور منظم با یهودیان پراکنده یونانی زبان که یا ساکن اورشلیم بودند یا به طور پراکنده به جشنواره‌های بزرگ زیارتی می‌آمدند، در تماس بوده‌اند. یهودا همچنین به عنوان یک مبلغ مذهبی تجربه داشت. یوسیبوس، با استناد به شخصیت قرن سومی، جولیس آفریکانوس، از بستگان عیسی به عنوان مبلغان مذهبی در جلیل سخن می‌گوید.

چندین شهر در جلیل وجود داشت که موعظه و تعلیم به زبان یونانی در آنها بسیار مفید، اگر نگوییم ضروری، می‌بود، مانند صفوریه، طبریه و بیت صیدا جولیس. اگر مأموریت آنها به شهرهای دکاپولیس، مانند اسکیتوپولیس که یهودیان جلیلی در مسیر اورشلیم از آن عبور می‌کردند اگر از سامره عبور نمی‌کردند، یا گادارا یا هیپوس، که هر دو در کنار دریای جلیل بودند، گسترش می‌یافت، در واقع افزایش مهارت در زبان یونانی مورد نیاز بود. پولس می‌گوید که برادران عیسی مأموریتی حتی گسترده‌تر داشتند.

او با ایمانداران قرن‌ی خود در مورد سایر رسولان و برادران خداوند که به عنوان مبلغان و معلمان سیار فعالیت می‌کردند و همسرانشان آنها را در سفرهایشان همراهی می‌کردند، صحبت می‌کند. کلیساها نیز از آنها حمایت می‌کردند و انتظار داشت که این مؤمنان قرن‌ی با این رسم آشنا باشند. می‌توانید این را در اول قرن‌تین ۹، آیه ۵ بیابید. خدمت در هر یک از این مناطق، یهودا را، صرف نظر از حرفه قبلی‌اش، مجبور به رشد در درک زبان یونانی می‌کرد. نامه یهودا واژگان یونانی گسترده‌ای را نشان می‌دهد، اما سبک یونانی استثنایی نیست.

و عموماً اذعان می‌شود که یادگیری واژگان آسان‌تر از دستیابی به بیان طبیعی در زبان دوم است. همچنین این احتمال وجود دارد، در واقع این احتمال وجود دارد که یهودا از کمک مسیحیان دیگری که خودشان با زبان و انشای یونانی آشنا تر بودند، استفاده می‌کرده است، همانطور که یهودا به نوکیشان یونانی زبان نوشت. در نهایت، برخی از محققان به اصالت نامه اعتراض کرده‌اند به این دلیل که آیات ۱۷ و ۱۸ یهودا، وقتی به مخاطبان می‌گوید، به مرگ رسولان نگاه می‌کند.

اما ای عزیزان، باید پیشگویی‌های رسولان خداوند ما عیسی مسیح را به خاطر داشته باشید. آنها به شما گفتند که در زمان آخر، مسخره‌کنندگانی خواهند آمد که از هوس‌های بی‌دینی خود پیروی خواهند کرد. با این حال، مطالعه دقیق‌تر نشان می‌دهد که به مخاطبان صریحاً گفته شده است که آنچه رسولان گفته بودند را به خاطر بسپارند، نه اینکه رسولان را طوری به یاد آورند که گویی مرده بودند.

مورد اخیر یک استنتاج محتمل است، اما هیچ چیز آن را محتمل نمی‌کند، چه برسد به اینکه آن را ضروری سازد. بنابراین، هیچ دلالتی در این آیات برای تاریخ وجود ندارد. علاوه بر این، نویسنده فرض می‌کند که مخاطبان این سخنان را از زبان خود رسولان شنیده‌اند و حداقل برخی از آنها را، به طور طبیعی، در نسل اول وجود کلیسا قرار می‌دهد.

یک نشانه بالقوه مثبت از اصالت، ریشه داشتن نامه در سنت‌های یهودی فلسطینی است. عبارات کتاب مقدس که نویسنده در آن گنجانده است، بیشتر منعکس کننده متن عبری عهد عتیق است تا ترجمه یونانی عهد عتیق که به طور گسترده در میان یهودیان یونانی زبان در سراسر مدیترانه شرقی مورد استفاده قرار می‌گرفت. به عنوان مثال، یهودا از مهاجمان به عنوان، نقل قول، ابرهای بی‌آبی که توسط بادها رانده می‌شوند، یاد می‌کند ۱۲.

در متن عبری امثال ۱۴: ۲۵، شخص متکبر به ابرها و بادهای بی‌باران تشبیه شده است. با این حال، در ترجمه هفتادگانی، شخص متکبر صرفاً مانند باد و ابر و باران است و ویژگی اصلی تصویر اصلی، یعنی طوفانی سهمگین که هیچ فایده‌ای ندارد، حذف شده است. در یهودا آیه ۱۳، مزاحمان امواج وحشی دریا نامیده می‌شوند که کف دریا مانند تخریب خود را لایروبی می‌کنند.

باز هم، این موضوع منعکس کننده متن عبری اشعیا ۵۷، آیه ۲۰ است، که در آن افراد شرور به دریای متلاطمی تشبیه شده‌اند که آب‌های آن گل و لای را بالا می‌آورد. نسخه سپتواجینت این آیه فاقد تصویر قدرتمند دریای ناآرام است که لجن کف دریا را به هم می‌زند. در آنجا، در سپتواجینت، افراد شرور به سادگی، نقل قول، توسط امواج به این سو و آن سو پرتاب می‌شوند و نمی‌توانند آرام بگیرند.

چشمگیرترین نکته، استفاده نویسنده از کتاب «اولین خونخ» است، متنی که به نظر می‌رسد در فلسطین نوشته و بیشترین خواننده را داشته است. این موضوعی است که بعداً با بررسی دقیق‌تر نامه، به آن خواهیم پرداخت. همچنین به نظر می‌رسد نویسنده با سنت‌های فراکتاب مقدسی در مورد شخصیت‌های کتاب مقدس مانند قابیل، که در متون فلسطینی مانند تارگومیم آرامی (تفسیرهای آرامی از متون مقدس عبری) یافت می‌شوند، آشنا بوده است.

در مورد تاریخ نگارش نامه، هیچ نشانه‌ی درونی روشنی وجود ندارد، به جز اهمیت یعقوب، که بنابراین زمانی پس از عزیمت پطرس از اورشلیم و رسیدن یعقوب به نقش رهبری را فرض می‌کند. و از سوی دیگر، احتمالاً طول عمر یکی از برادران کوچکتر عیسی. بنابراین می‌توانیم تصور کنیم که این متن در هر زمانی بین حدود ۵۰ تا ۸۰ میلادی نوشته شده است.

فقدان هرگونه اشاره‌ای به وضعیت معبد یا تخریب آن برای تعیین تاریخ مفید نیست. استدلال‌های مبتنی بر سکوت، همیشه متزلزل هستند، اما به ویژه هنگامی که در مورد نامه‌ای به طول یک کارت پستال به کار می‌روند. بنابراین همانطور که نویسنده در آیه اول می‌گوید، ما این را به عنوان یک نامه واقعی از یهودا، برده عیسی مسیح و برادر یعقوب، در نظر خواهیم گرفت.

از یک سو، ممکن است متوجه فروتنی او در نامیدن خود تنها برادر یعقوب شویم، هرچند این امر او را به رهبر جنبش عیسی در یهودیه و یک برده، نه برادر عیسی، کسی که خداوند است، چه برای نویسنده و چه برای مخاطب

مرتبط می‌کند. در حالی که برده‌داری پایین‌ترین جایگاه را در نظم اجتماعی قرن اول نشان می‌دهد، برده همچنین می‌تواند به عنوان یک عنوان افتخاری برای افرادی عمل کند که هم ادعا می‌کردند با فداکاری خاص و خالصانه به خدا خدمت می‌کنند و هم ادعا می‌کردند که متعلق به خدا هستند. موسی، یوشع و داوود همگی در کتاب مقدس یهود به عنوان بندگان خدا شناخته شده‌اند.

پیامبران مسیحی، به طور کلی، در کتاب مکاشفه، بندگان خدا هستند و این به آنها ادعای اقتدار به عنوان افرادی که اهداف خدا را بر روی زمین پیش می‌برند، می‌دهد. پولس، یعقوب و یوحنا، نویسندگان مکاشفه، نیز خود را چنین معرفی می‌کنند. یهودا خطاب به کسانی است که احضار شده‌اند، کسانی که در خدای پدر محبوب هستند و در عیسی مسیح محفوظ می‌مانند.

که تقریباً به طور مداوم این کار را انجام می‌دهد، هیچ مکانی برای اجتماعات آنها ارائه نمی‌دهد. او هیچ اطلاعات مستقیمی در مورد حوزه قومی آنها ارائه نمی‌دهد.

محتوای این نامه کوتاه فرض را بر این می‌گذارد که مخاطبان با سنت‌های یهودی دربارۀ قابیل، فرشتگان رانده شده و موسی که در متون مقدس رسمی یافت نمی‌شوند، آشنا هستند. آنها همچنین فرض را بر این می‌گذارند که تا حدودی با خنوخ اول که از حلقه‌های یهودیان فلسطینی سرچشمه گرفته و در آنها مرجعیت داشته، آشنایی و احترام دارند. به عنوان مثال، این متن در جامعه قمران متنی معتبر بود و بنابراین احتمالاً در سراسر جنبش بزرگتر اسنی نیز معتبر است.

این ممکن است باعث شود گمان کنیم که مخاطبان عمدتاً از مسیحیان یهودی یونانی زبان تشکیل شده بودند که بیشتر در معرض این سنت‌ها قرار می‌گرفتند، اگرچه ممکن است حضور قابل توجهی از نوکیشان غیریهودی نیز وجود داشته باشد، افرادی مانند کورنلیوس و خانواده‌اش که در اعمال رسولان ۱۰ با آنها روبرو می‌شویم، ساکن قیصریه در کنار دریا. مخاطبان در فلسطین نیز به خوبی با حوزه نفوذ و نظارتی که توسط بستگان عیسی اعمال می‌شد، سازگار بودند. در حالی که مردم در روستاهای روستایی‌تر فلسطین احتمالاً مستعد سهل‌انگاری در معیارهای اخلاقی که یهودا به آنها اشاره می‌کند، نبودند، مسیحیان در مراکز شهری جلیل یا دشت‌های ساحلی، که توسط شیوه‌های زندگی یونانی و سایر غیریهودیان احاطه شده بودند و در برخی موارد خود آنها را پشت سر می‌گذاشتند، ممکن بود وسوسه شوند که این شیوه‌ها را آزمایش کنند.

در مراکز شهری بود که حرکتی به سمت معرفی فرهنگ سمپوزیوم‌های یونانی، که شامل لذت بردن آزادانه‌تر از خوردن، آشامیدن و معاشرت در وعده غذایی آگاپه مسیحیان می‌شد، جذاب‌تر می‌بود. مخاطبان شهری در فلسطین نیز توضیح می‌دهند که چرا یهودا به یونانی و نه آرامی می‌نوشت. البته، همه اینها به بهترین حدس‌های محققان بستگی دارد، زیرا بار دیگر خود یهودا اطلاعات بسیار کمی در مورد مخاطبان‌ش به ما می‌دهد.

آنچه او در مورد مخاطبان‌ش به ما می‌گوید، همان چیزی است که در مورد خودشان به آنها می‌گوید. آنها، نقل قول از آنها، کسانی هستند که احضار یا فراخوانده شده‌اند، دعوت شده‌اند، کسانی که در خدای پدر محبوب هستند و در عیسی مسیح محفوظ می‌مانند. همانطور که در سراسر کلیسای اولیه رایج است، یهودا از زبانی استفاده می‌کند که زمانی برای اسرائیل تاریخی به کار می‌رفت تا بدن خاص را توصیف کند. گرد هم آمده‌اند، گرد ایمان به عیسی، گرد ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین سپرده شده است.

اغلب از اسرائیل به عنوان قومی که خدا آنها را فراخوانده یا دعوت کرده تا قوم خود خدا باشند، یاد می‌شود. اغلب گفته می‌شود که خدا اسرائیل را دوست دارد یا آن را محبوب می‌داند. اما مخاطب نیز در عیسی مسیح قرار دارد.

ایده‌ی در نظر داشتن یک هدف خاص، به عنوان یک مضمون برجسته در این نامه‌ی کوتاه پدیدار خواهد شد. در آیه‌ی ۲۱، یهودا شنوندگان را ترغیب می‌کند که خود را در عشق خدا که در حال حاضر از آن برخوردارند، حفظ کنند. از سوی دیگر، معلمان مزاحم نیز توسط خدا حفظ می‌شوند، اما به دلیل تاریکی تاریک عالم اموات در آیه‌ی ۱۳، زیرا آنها با همان روحیه‌ای عمل می‌کنند که فرشتگان سقوط کرده که به قلمرو خود پایبند نبودند، بلکه از خطوطی که خدا ترسیم کرده بود عبور کردند و بنابراین اکنون در همان تاریکی در زنجیرهای ابدی نگه داشته می‌شوند. همانطور که در آیه‌ی ۶ می‌بینیم. با آیه‌ی دوم، باشد که رحمت و آرامش و عشق نسبت به شما افزون شود، یهودا فرمول معمول آغازین نامه در جهان قرن اول را تکمیل می‌کند.

این فرمول، یعنی درود از فرستنده به گیرنده، اغلب بسیار مختصر بیان می‌شد، همانطور که در نامه‌های هلنیستی که به طور افراطی در سراسر مکابیان اول و دوم حفظ شده‌اند، و همچنین در صدها نامه پاپیروس غیرادبی که از شن‌های مصر به دست آمده‌اند، می‌بینیم. یهودا، مانند دیگر رهبران اولیه مسیحی، هر عنصر را بسط می‌دهد. در اینجا، کلمه ساده درود، با آرزوی رحمت، صلح و عشق جایگزین می‌شود، احتمالاً با خدا به عنوان منبع هر تجربه، تا بر شنوندگان آرامش یابد.

این آرزو، همراه با توصیف دلگرم‌کننده‌ی یهودا از مخاطبان به عنوان کسانی که مورد توجه و محبت قرار گرفته‌اند، اطمینان قوی از حسن نیت خود یهودا نسبت به کسانی که نامه‌اش با صدای بلند برایشان خوانده می‌شود، می‌دهد و اتفاقاً آنها را نیز به سمت خود و هشدار او متمایل می‌کند. عشق و رحمت نیز در سراسر این نامه‌ی کوتاه، طنین‌انداز می‌شوند. یهودا در نصیحت‌های پایانی به موضوع رحمت بازمی‌گردد و شنوندگان را راهنمایی می‌کند که هم امید خود را به رحمت پروردگاران عیسی مسیح که به زندگی ابدی منتهی می‌شود، معطوف کنند و هم به خواهران و برادران خود که می‌بینند از مسیر زندگی منحرف شده‌اند، رحمت بورزند.

به همین ترتیب، توصیف شنوندگان به عنوان محبوب و آرزوی اینکه آنها در ابتدا همچنان عشق خدا را تجربه کنند، با خطاب‌های مکرر به مخاطبان به عنوان محبوب در سراسر نامه و ترغیب آنها به حفظ خود در عشق خدا با گام برداشتن در راه‌های تقدس و وفاداری که فیض خدا آنها را به آن و برای آن فراخوانده است، پاسخ داده می‌شود. بنابراین، این آیات آغازین به وضوح ژانر نوشتار را به عنوان یک نامه مشخص می‌کنند، اما همچنین دو الزام اصلی یک آغاز قوی از هر خطابی را برآورده می‌کنند. اول، اثبات اقتدار و حسن نیت گوینده، و دوم، بیان برخی از مضامین کلیدی خطابه.

اگرچه رساله یهودا در کنار رساله‌های به اصطلاح کاتولیک، رساله‌هایی مانند یعقوب و اول پطرس که واقعاً برای مخاطبان گسترده نوشته شده‌اند، قرار می‌گیرد، اما در واقع به یک مشکل و موقعیت بسیار خاص، یعنی ظهور معلمانی از خارج از یک جماعت یا گروه خاصی از جماعت‌ها، می‌پردازد. عزیزان، در حالی که با جدیت مشغول نوشتن به شما در مورد نجاتی که ما در آن سهیم هستیم، بودم، لازم دیدم که برای شما بنویسم و شما را به مبارزه برای ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین سپرده شده است، ترغیب کنم. زیرا برخی افراد، افرادی که مدت‌ها پیش برای این محکومیت تعیین شده بودند، به درون نفوذ کرده‌اند، افرادی که خدانشناس هستند و فیض خدای ما را به خودپرستی بی‌شرمانه تبدیل می‌کنند و تنها پروردگار و استاد ما، عیسی مسیح، را انکار می‌کنند.

یهودا در این نامه کوتاه، چندین بار، در اینجا و دوباره در آیات ۱۷ و ۲۰، شنوندگان خود را محبوب خود می‌نامد. چنین تأییداتی از پیوندهای عاطفی او با آنها، احتمالاً به تقویت اعتماد و اطمینان از حسن نیت یهودا کمک می‌کند، در تضاد آشکار با این معلمان دیگر که به جای عشق واقعی به مؤمنان، از انگیزه‌های خودخواهانه عمل می‌کنند. یهودا این تصور را ایجاد می‌کند که او نامه‌ای بسیار متفاوت نوشته است، نامه‌ای که ما بسیار دوست داشتیم آن را دریافت می‌کردیم، زیرا می‌توانست شامل بیانیه‌ای کامل‌تر در مورد آنچه برادر ناتنی عیسی به عنوان پیام انجیل و امیدی که به ارمغان می‌آورد، باشد.

این نیز نشانه‌ای از حسن نیت یهودا نسبت به شنوندگان است. او از قبل آنها و ایمانشان را در نظر داشت و خود را وقف تقویت آنها در این زمینه کرده بود. با این حال، تحولات جاری، یعنی ورود و تأثیر معلمان سیار در میان جماعت‌هایی که حوزه توجه یهودا بودند، اکنون مداخله فوری‌تری را از جانب او برای مؤمنانی که سلامت معنوی آنها برای او بسیار مهم است، ایجاب می‌کرد.

همیشه معلمان متنوعی در میان شبکه‌ی جماعت‌های مسیحی در رفت و آمد بودند. در رساله‌ی غلاطیان متوجه می‌شویم که معلمان رقیب پولس در حال تثبیت جایگاه خود یا تلاش برای تثبیت جایگاه خود در میان نوکیشان او در استان غلاطیه هستند. در رساله‌ی دوم قرنتیان، دوباره با معلمان رقیبی مواجه می‌شویم که به دنبال جا انداختن خود در جماعت‌های پولس در قرنتس هستند.

ما دوباره معلمانی را در پشت صحنه‌ی یهودا می‌یابیم، و آنها را در پشت صحنه‌ی دوم پطرس نیز خواهیم یافت. وقتی به مکاشفه می‌رسیم، معلمانی را می‌بینیم که پیشگو آنها را ایزابل یا نقولویان می‌نامد که خود و دیدگاه خود را برای عمل مسیحی در میان کلیساهای استان رومی آسیا ابراز می‌کنند. استفاده‌ی یهودا از تصاویر این معلمان که مخفیانه یا با زور وارد می‌شوند، در آیه‌ی ۴، به وضوح نشان می‌دهد که این معلمان از خارج از جماعت یا جماعت‌ها آمده‌اند.

در آیه ۸، یهودا از خطاهای این معلمان که ناشی از خواب‌هایشان است، سخن می‌گوید، که نشان می‌دهد آنها، مانند بسیاری از گروه‌های معنوی در جهان یونانی-رومی، آموزه‌ها و اقتدار خود را بر اساس وحی مبتنی بر خلسه، و ادعای ارتباط مستقیم با الوهیت و دریافت ارتباطات مستقیم و معتبر از الوهیت بنا نهاده‌اند. تصویر شبانی که در آیه ۱۲ ظاهر می‌شود، نشان می‌دهد که این مزاحمان افرادی هستند که خود را به عنوان معلم یا رهبر معنوی معرفی می‌کنند و عمل می‌کنند. یهودا شنوندگان خود را به ضرورت مبارزه برای ایمان، اعتقادات مربوط به مداخلات خدا و در مورد شیوه زندگی که در پیشگاه خدا رحمت می‌یابد و آنها به اشتراک گذاشته‌اند، آگاه می‌کند، به خصوص که این نشان دهنده ودیعه خود خدا از حقیقت وحیانی خدا به جامعه مقدسین، مقدسین، است.

ممکن است متوجه شویم که چگونه شیوهی بیان آیات ۳ و ۴ توسط یهودا، شنوندگان را در کنار یهودا و در مقابل این مزاحمان قرار می‌دهد. یهودا و مخاطبان از رستگاری مشترکی برخوردارند که، همانطور که نامه آشکار می‌شود، این معلمان در آن سهیم نیستند. یهودا همچنین خود و شنوندگانش را در نقش مدافعان ایمان قرار می‌دهد، در حالی که مزاحمان به عنوان خطری آشکار و حاضر برای تمامیت ایمان ظاهر می‌شوند، و دوباره ایمان را در اینجا به عنوان مجموعه‌ای از آموزه‌های وحیانی می‌شنود که هم اعتقادات و هم عمل را شکل می‌دهد.

در واقع، یهودا بیشتر با عمل اخلاقی معلمش مشکل خواهد داشت تا با آموزه‌های او. در قرن‌های نوزدهم و بیستم رایج بود که مخالفان یهودا را گنوسی بنامند، اما بر اساس شواهد بسیار کم و درک نسبتاً ناقص از چگونگی توسعه گنوسی‌گرایی. هیچ مدرک واقعی مبنی بر وجود یک بحث مسیح‌شناختی در پشت نامه یهودا، مانند آنچه در اول و دوم یوحنا می‌بینیم، وجود ندارد.

انکار تنها استاد و خداوند ما عیسی مسیح، به احتمال زیاد بازتابی از عدم علاقه این معلمان به اطاعت از عیسی است نه اعتراف به عیسی. خود عیسی به یاد آورده شد که جدایی‌ناپذیری اعتراف و اطاعت عملی را تأیید می‌کرد. چرا مرا پروردگار، پروردگار می‌خوانید و آنچه را که به شما می‌گویم انجام نمی‌دهید؟ حضور آنها در ضیافت‌های عاشقانه مؤمنان، قویاً نشان می‌دهد که این معلمان خود را مسیحی می‌دانستند.

اما، یهودا ادعا می‌کند که مسیر زندگی آنها خلاف این را نشان می‌دهد. آیه ۴ شکست اصلی آنها و بنابراین خطر اصلی که آنها برای جماعت یهودا ایجاد می‌کردند را مشخص می‌کند. این امتناع آنها از همسو شدن با اهداف خدا برای لطفی است که خدا به نافرمان‌ها کرده بود.

فیض خدا مجوزی برای خودخواهی نمی‌دهد. بلکه فرصت و وسیله‌ای برای رهایی در داوری نهایی فراهم می‌کند همانطور که یهودا در آیه ۲۴ بیان می‌کند، خداوند فیض خود را با این هدف ارائه می‌دهد که شما را از لغزش بازدارد. و شما را بی‌عیب و نقص و با شادی عظیم در برابر جلال خود بایستد.

شنوندگان یهودا بی‌عدالتی، توهین ذاتی در سوءاستفاده از سخاوت یک بخشنده و استفاده از لطف بخشنده برای اهدافی مغایر با نیت و اهداف بخشنده را درک می‌کردند. ما مسیحیان قرن بیست و یکم از نظر فرهنگی با اخلاق بخشش و جبران لطف، اخلاق خوب بخشیدن و خوب گرفتن، چه از طریق ارج نهادن به هدیه و چه از طریق تلاش برای پیشبرد منافع بخشنده در عوض، بیگانه هستیم. یهودا مداخله‌گران را به نقض این پیوند مقدس، به انحراف مهربانی سخاوتمندانه خدا در بخشش گناهان به جای مجازات آنها با ایجاد فضایی در زندگی خود و احتمالاً تشویق سایر مؤمنان به ایجاد فضایی در زندگی خود برای اعمال خودپسندانه به جای اعمال خداپسندانه، متهم می‌کند.

این تصور که لطف خدا مستلزم افراط و تفریط است، اگرچه با انجیل رسولان بسیار فاصله داشت، با این وجود در کلیساهای قرن اول نسبتاً گسترده بود. خود پولس مجبور بود مفاهیمی را که نوکیشان خود از انجیل‌عاری از شریعت او استنباط می‌کردند، اصلاح کند. می‌توان به یاد آورد که چگونه، برای مثال، او مجبور شد به بی‌بندوباری جنسی برخی از مهمانی‌ها در قرنتس و همچنین آزادی بیش از حد در مورد شرکت مجدد در ضیافت‌هایی که در محوطه معابد بت‌ها برگزار می‌شد، بپردازد.

پیامبران و معلمان در برخی از کلیساهایی که مورد خطاب وحی بودند، مانند مؤمنان قرنتس پولس، همچنین تعلیم می‌دادند که مؤمنان می‌توانند به خاطر کنار آمدن با همسایگان خود، جایی برای مشارکت در بت‌پرستی باز کنند. خود پولس به ترویج چنین خودخواهی متهم شد، که در نامه خود به مسیحیان روم با برجسته کردن تحول اخلاقی که

انجیلش ترویج می‌کرد، به شدت از خود دفاع می‌کند. مزاحمانی که یهودا علیه آنها می‌نویسد نیز ممکن است چنین طرز فکری داشته باشند، یا ممکن است صرفاً اسفنج‌های کاریزماتیک باشند که به دنبال سواری رایگان و چیزهای دیگر از مسیحیان ساده‌لوح بوده‌اند.

نویسنده بت‌پرست قرن دوم، لوسیان، از شخصی به نام پرگرینوس می‌گوید که توانست مدتی به این شکل از یک جماعت مسیحی سوءاستفاده کند، پیش از آنکه رباکاری‌اش آشکار شود. یهودا این مزاحمان را همچون بسیاری از یاوه‌گویان دیگر معرفی می‌کند که فلسفه‌ها یا مذاهب خود را در بازار می‌فروختند و به دنبال راهی برای سود بردن از امتیازات خود بودند و هرگز از لذت بردن از شکم و کمر خود غافل نبودند. معرفی این مزاحمان به عنوان پی‌خدا در آیه ۴، پیوندی کلامی را معرفی می‌کند که آنها را با اهداف داوری خدا در پیش‌بینی‌های خنوخ اول که در آیه ۱۵ نامه یهودا با آنها مواجه خواهیم شد، و با معلمان دروغینی که رسولان علیه آنها هشدار داده بودند، مانند آنچه در آیه ۱۸ این نامه با آنها مواجه می‌شویم، مرتبط می‌کند.

یهودا اضافه می‌کند که این مزاحمان، نقل قول شده، مدت‌ها پیش برای این محکومیت در آیه ۴ مشخص شده‌اند. این ادعا که آنها تحت داوری خدا قرار دارند و محکوم به تجربه آن هستند، بدیهی است که حداقل در مورد مزیت ادامه تحمل نفوذ آنها، سؤالاتی را مطرح می‌کند. یهودا آنها را به عنوان افرادی خطاکار و کوتاه‌بین که باید دوباره بشارت داده شوند و رستگار شوند، به جای اینکه به عنوان صداهایی که باید به آنها توجه شود، معرفی می‌کند. بخش عمده‌ای از نامه یهودا به اثبات این موضوع از طریق مثال‌های تاریخی اختصاص دارد، مثال‌هایی که عمدتاً از کتب مقدس مشترک آنها گرفته شده است، که کسانی که مانند این مزاحمان رفتار می‌کنند، هنگامی که خدا برای پاسخگو کردن آنها مداخله می‌کند، به پایان بدی می‌رسند.

قابیل، بلعام، قورح و گروهش، فرشتگان شورشی، مردم سدوم، نسل خروج، همه اینها به عنوان هشدارهایی علیه گام برداشتن در مسیر این مزاحمان و به عنوان هشدار برای این مزاحمان از سرنوشتی که در صورت ادامه مسیرشان برایشان مقدر شده است، تلقی می‌شوند. یهودا همچنین می‌تواند با زبانی قوی در مورد سرنوشت، اشاره کند که مزاحمان نقشی را ایفا می‌کنند که در واقع برای آن مقدر شده بودند، زیرا رسولان پیش‌بینی کرده بودند که چنین افرادی در میان مؤمنان ظهور خواهند کرد.

فیلمنامه آنها پیش از ظهورشان در میان مؤمنانی که یهودا به آنها اشاره می‌کند، نوشته شده بود. پایان داستان آنها از قبل در تاریخ مشخص است. موقعیتی که باعث شد این نامه از یهودا منتشر شود، پیشینه وسیع‌تری از تجدید حیات نبوت در جنبش اولیه مسیحیت را منعکس می‌کند.

کلیسای اولیه متقاعد شده بود که در هر مکانی که شکل گرفته است، ریزش تازه روح و تجلی آن را در هدایای کاریزماتیک، به ویژه دعا یا صحبت به زبان‌های عجیب، بیان کلمات نبوی ظاهراً از جانب خداوند و غیره، تجربه کرده است. این امر در متونی مانند غلاطیان ۳، آیات ۱ تا ۴، اول قرنتیان ۲، آیات ۱ تا ۵، و عبرانیان فصل ۲، آیات ۳ و ۴ منعکس شده است که همگی آگاهی فزاینده از فعالیت روح القدس در میان یک جماعت را یادآوری می‌کنند. این امر همچنین در سراسر اعمال رسولان، به ویژه در پنطیکاست و خطبه پنطیکاست پطرس، یا خدمات رسولان در سامره، یا ماجرای کورنلیوس در اعمال رسولان فصل ۱۰، منعکس شده است.

بنابراین، آزمایش آنچه در روح گفته شده بود، برای تأیید اینکه در واقع، کلامی قابل اعتماد از جانب خداوند است اهمیت یافت. و بنابراین در نامه‌های پولس می‌بینیم که می‌گوید: «نبوت‌ها را تحقیر نکنید، بلکه همه چیز را بیازمایید. به آنچه نیکوست، محکم بچسبید».

بگذارید دو یا سه پیامبر صحبت کنند و دیگران آنچه گفته می‌شود را بسنجند. خود عیسی علیه پیامبران دروغین که سخنانشان ممکن است با حقیقت همسو باشد، اما انگیزه‌هایشان خودخواهانه و مضر برای سلامت جامعه است هشدار داده بود. از پیامبران دروغین که در لباس میش نزد شما می‌آیند، اما در باطن گرگ‌های درنده هستند، برحذر باشید.

شما آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. آیا انگور از بوته‌های خار یا انجیر از خار چیده می‌شود؟ بنابراین هر درخت سالم میوه خوب می‌دهد، اما درخت بیمار میوه بد می‌دهد. درخت سالم نمی‌تواند میوه بد بدهد، و نه درخت بیمار می‌تواند میوه خوب بدهد.

هر درختی که میوه خوب ندهد، بریده و در آتش افکنده می‌شود. بدین ترتیب، آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. شاگردان باید نتایج کار این پیامبران را در میان خود بررسی کنند تا مشخص شود که آیا آنها صادق هستند یا خیر.

پولس به مسیحیان کولسی هشدار داد که لاف زدن یک معلم در مورد داشتن رؤیاهایی از فرشتگان یا حتی داشتن یک سبک زندگی ریاضت‌کشانه، برای تضمین عدم کلاهبرداری کافی است. اقتدار واقعی فقط از ارتباط یک معلم با مسیح ناشی می‌شود. نویسنده، اول یوحنا، که در پی یک انشعاب دردناک در کلیسا نوشت، هم آزمون‌های اخلاقی و هم آموزه‌ای ارائه داد.

معلمانی که اذعان نمی‌کردند که عیسی مسیح مجسم است یا عشق خالصانه‌ای به برادران و خواهران نشان نمی‌دادند، تحت تأثیر روح خدا قرار نمی‌گرفتند. بعدها در قرن اول یا اوایل قرن دوم، یک کتابچه راهنمای آیین‌های که به یونانی به معنای تعلیم (Didache) مسیحی برای روح‌القدس و سه نظام و اخلاق کلیسایی معروف به دیداکه است، سه فصل از 16 فصل را به موضوع استقبال، حمایت و آزمایش پیامبران سیار اختصاص داد. به آنها آزادی و احترام قابل توجهی داده می‌شد، اما اگر در حالی که وانمود می‌کردند که با روح سخن می‌گویند، پول یا هدیه درخواست می‌کردند، باید اخراج می‌شدند.

همچنین، آنها به سه روز غذا با هزینه جامعه محدود می‌شدند تا به عنوان اسفنج‌های دائمی یا اختلالات بالقوه در رهبری محلی مستقر نشوند. قرار نبود هدایای معنوی به بلیط‌های دائمی غذا تبدیل شوند. نامه یهودا در پیچه دیگری به این پدیده است که به جماعت‌ها کمک می‌کند تا تشخیص دهند و بیاموزند که چگونه خودشان می‌توانند معلم قابل اعتماد را از کسی که آنها را از ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین منتقل شده است گمراه می‌کند و آنها را از مسیری که این ایمان آنها را در زندگی خودشان به آن سوق می‌دهد، گمراه می‌کند، تشخیص دهند.